



تنوع زبانی و عدالت اجتماعی

درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی کاربردی

نویسنده:

اینگرید پیلر

مترجم:

سعید رضائی

(عضو هیئت علمی مرکز زبان‌ها و زبان‌شناسی دانشگاه صنعتی شریف)

ویراستار:

پریسا بخشنده



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	پیلر، اینگرید، ۱۹۶۷ - م. Pillar, Ingrid
عنوان و نام پدیدآور	تنوع زبانی و عدالت اجتماعی: درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی کاربردی / نویسنده اینگرید پیلر؛ مترجم سعید رضائی.
مشخصات نشر	تهران : نشر نویسه پارسی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۳۷۷ صفحه
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۰۳۰-۷۷-۶
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: 2016... Linguistic diversity and social justice : an introduction to applied
عنوان دیگر	درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی کاربردی.
موضوع	چندزبانگی -- جنبه‌های اجتماعی Multilingualism -- Social aspects
موضوع	دگرگونی زبان -- جنبه‌های اجتماعی Linguistic change -- Social aspects
موضوع	اقلیت‌های زبانی -- جنبه‌های اجتماعی Linguistic minorities -- Social aspects
موضوع	جامعه‌شناسی زبان Sociolinguistics
شناسه افزوده	سعید، رضائی، ۱۳۶۳ - ، مترجم
شناسه افزوده	بخشنده، پریسا، ۱۳۶۵ - ، ویراستار
رده بندی کنگره	۱۳۹۷ ت ۹۰۹ پ ۴۵ / ۴۵ P۱۱۵
رده بندی دیویی	۳۰۶ / ۴۴۶
شماره کتابشناسی ملی	۵۳۰۹۱۲۸



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Linguistic Diversity and Social Justice
An Introduction to Applied Sociolinguistics

نویسنده: اینگرید پیلر Ingrid Piller

مترجم: دکتر سعید رضائی

ویراستار: پریسا بخشنده

طراح جلد، گرافیک، ناظر فنی هنری: محمد محرابی

صفحه‌آرایی: محمد محرابی

ناشر: نشر نویسه پارسی

دفتر انتشارات: ۰۲۱-۷۷۰۵۳۲۴۶

فروشگاه: ۰۲۱-۶۶۴۶۱۰۰۷

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۴۵۵۴۵۵۴۱۴۲

وبگاه: www.neveeseh.com

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۳۰-۷۷-۶

چاپ و صحافی: روز

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به «نشر نویسه پارسی» است.
تکثیر و انتشار این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، بدون مجوز قبلی و کتبی
ممنوع و مورد پیگیری قانونی قرار خواهد گرفت.

زبان‌شناسی اجتماعی	شماره مسلسل انتشارات
۲	۷۷



فهرست مطالب

یادداشت مترجم	۹
یادداشت نویسنده بر ترجمه فارسی	۱۱

■ فصل اول: مقدمه ۲۳ ■

تنوع زبانی	۲۵
عدالت اجتماعی	۲۸
بررسی اجمالی کتاب	۳۱
عضویت در گفتگوهای این کتاب	۳۳
یادداشت‌ها	۳۴

■ فصل دوم: تنوع زبانی و طبقه‌بندی زبان‌ها ۳۵ ■

زبان، چندزبانگی و تنوع زبانی	۳۷
سلسله‌مراتب در تنوع زبانی	۴۰
هرم‌های زبانی	۴۳
تنوع زبانی در اتباع غیربومی	۴۸
ابرقوناگونی	۵۲
ابداع همانندی	۵۵
خلاصه فصل	۶۰
یادداشت‌ها	۶۱

■ فصل ۳: تابعیت تنوع زبانی ۶۵ ■

اصل ارضی	۶۸
تفکیک زبانی	۷۲
نقد و بررسی اصل ارضی	۷۵
تنوع زبانی و مسئولیت‌پذیری شخصی	۸۰
یادگیری زبان در بین مردم عام	۸۷
قضاوت در مورد زبان‌آموزان	۹۰
تنوع زبانی و ارزش اخلاقی	۹۳
تغییر آفرینی در زبان‌آموزان	۹۸

خلاصه فصل	۱۰۰
یادداشت‌ها	۱۰۱

■ فصل ۴: تنوع زبانی در محیط کار ۱۰۵ ■

توانش زبان مانعی بر سر راه استخدام	۱۰۸
چه چیزی پشت این اسم است؟	۱۱۰
مصاحبه کاری	۱۱۲
آسیب‌پذیری چندگانه	۱۱۷
اشتغال برای بقا و مهارت زدایی	۱۲۱
یادگیری زبان در محیط کار	۱۲۵
سرکوب تنوع زبانی	۱۳۱
نظام‌های زبانی جایگزین	۱۳۵
خلاصه فصل	۱۴۳
یادداشت‌ها	۱۴۴

■ فصل ۵: تنوع زبانی در محیط تحصیل ۱۴۹ ■

عادت‌واره تک‌زبانگی در مدارس چندزبانه	۱۵۲
آموزش به روش غوطه‌ورسازی	۱۵۸
پیچیدگی مشکلات آموزش به روش غوطه‌ورسازی	۱۶۲
آزمون علیه تنوع زبانی	۱۶۹
انکار مزایای چندزبانگی	۱۸۳
خلاصه فصل	۱۸۷
یادداشت‌ها	۱۹۰

■ فصل ۶: تنوع زبانی و میزان مشارکت اجتماعی ۱۹۳ ■

موانع زبانی در مسیر مشارکت اجتماعی	۱۹۶
زبان و شکاف جنسیتی	۲۰۳
خشونت ناشی از مسائل زبانی	۲۱۴
ریزپرخاشگری	۲۲۰
از خودبیگانگی زبانی	۲۲۴

۲۳۳.....	خلاصه فصل.....
۲۳۵.....	یادداشت‌ها.....

■ فصل هفتم: تنوع زبانی و عدالت جهانی ۲۳۹ ■

۲۴۲.....	زبان و توسعه.....
۲۵۱.....	ناعدالتی‌های ناشی از آموزش زبان انگلیسی.....
۲۵۹.....	ناعدالتی‌های ناشی از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان جهانی در دانشگاه‌ها.....
۲۶۷.....	در ستایش مرکزیت زبان انگلیسی.....
۲۷۴.....	آسیب‌های روانی ناشی از حضور جهانی زبان انگلیسی.....
۲۸۱.....	خلاصه فصل.....
۲۹۱.....	یادداشت‌ها.....

■ فصل هشتم: عدالت زبانی ۲۹۷ ■

۲۹۹.....	امتیاز زبانی.....
۳۰۵.....	آرمان‌شهرهای واقعی زبان.....
۳۱۲.....	تلاش برای عدالت زبانی.....
۳۲۱.....	یادداشت‌ها.....
۳۲۳.....	فهرست منابع.....
۳۵۵.....	واژه‌نامه.....
۳۵۷.....	انگلیسی به فارسی.....
۳۶۲.....	فارسی به انگلیسی.....
۳۶۷.....	نمایه.....

اولین بار با خانم پروفیسور اینگرید پیلر از طریق وبلاگ‌شان که بستر اصلی کتاب حاضر است آشنا شدم. بعدها در سال ۱۳۹۰ ایشان را در دانشگاه صنعتی شریف ملاقات کردم؛ هماهنگی سخنرانی ایشان را همکار فرزانه‌ام سرکار خانم دکتر خسروی‌زاده انجام داده بودند. یک سال بعد، یعنی سال ۱۳۹۱، به دعوت ایشان به عنوان پژوهشگر مهمان طی یک دوره‌ی شش ماهه در دانشکده زبان‌شناسی دانشگاه مک کوئری در شهر سیدنی استرالیا بودم. یک سال بعد خانم پیلر برای بار دوم مهمان دانشگاه صنعتی شریف بودند. همکاری‌های دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه مک کوئری استرالیا به صورت تفاهم‌نامه بین‌دانشگاهی همچنان ادامه دارد.

ایده‌ی اولیه‌ی ترجمه‌ی کتاب در اوایل سال ۱۳۹۶ و در گفتگویی که با خانم پیلر داشتم شکل گرفت؛ ولی ترجمه‌ی کتاب به دلیل مشغله‌ی کاری و حجم کتاب بیش از آنچه فکر می‌کردم به طول انجامید. کتاب حاضر نتیجه‌ی چندین سال پژوهش خانم پیلر در حوزه‌ی زبان‌شناسی اجتماعی کاربردی است که انتشارات دانشگاه آکسفورد آن را در سال ۲۰۱۶ به چاپ رسانده است. این کتاب برنده‌ی جایزه بین‌المللی پروژا،^۱ که از طرف انجمن انتشارات آمریکا اهدا می‌شود، نیز است. نویسندگان و پژوهشگران به‌نامی همچون دِبرا کامرون استاد دانشگاه آکسفورد و رابرت فیلیپسون استاد دانشگاه کوپنهاگ هر دو پشت‌نویسی این کتاب را انجام داده و آن را برای تدریس در حوزه‌ی زبان‌شناسی اجتماعی و عدالت زبانی توصیه کرده‌اند.

آنچه به جذابیت این کتاب می‌افزاید تنوع داده‌های زبانی است که نویسنده در تبیین نظرات و یافته‌های خود به آنها می‌پردازد. داده‌های ارائه شده از مهاجران و گویشوران زبان‌های مختلف در سرتاسر جهان از آمریکای شمالی و جنوبی، اروپا و آفریقا، آسیا و استرالیا و نیوزیلند گرفته شده است. آنچه این کتاب را برای خوانندگان ایرانی جذاب‌تر می‌کند مثال‌هایی است که نویسنده از ایران و فارسی‌زبانان جهان در این کتاب می‌آورد. نمونه‌هایی از چندزبانگی در جلفای

^۱ Prose Award

اصفهان در دوران صفوی تا سنگ قبر نوشته‌های گورستان دولاب در شرق تهران و افاغنه مقیم استرالیا از نمونه‌های جالب این کتاب هستند. خانم پیلر به دلیل سفرهایی که به ایران داشته است نمونه‌های جالبی از فرهنگ و زبان ایرانی را در این کتاب ذکر می‌کند. از دیگر ویژگی‌های بسیار ممتاز این کتاب اثر شیوا و روایت‌گونه کتاب است که هر خواننده‌ی علاقه‌مند به حوزه زبان، جامعه‌شناسی، مهاجرت و هویت را به خود جذب می‌کند. امیدوارم ترجمه اینجانب در معرفی آرا و نظرات ایشان مفید واقع شود.

در پایان از همه افرادی که در ترجمه، ویرایش و چاپ کتاب به من یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌کنم. از آقای امیر احمدی مدیر نشر نویسه که در طول این مدت با علاقه و تلاش فراوان پی‌گیر چاپ این اثر بودند بسیار سپاسگزارم. همچنین از همکاری و زحمات خانم پریسا بخشنده که با دقت و وسواس، کار ویراستاری این اثر را انجام دادند تشکر می‌کنم. از کمک‌های آقای سامان جمشیدی و خانم افسانه فرهنگ نیز سپاسگزارم. همچنین از دکتر محمدمهدی حاج‌ملک، دکتر عبدالله کریم‌زاده و دکتر داریوش ایزدی که از راهنمایی‌ها، تشویق‌ها و همکاری‌های صمیمانه‌شان در این دو سال بهره‌بردم کمال تشکر را دارم. امیدوارم ترجمه فارسی این اثر توانسته باشد مقبولیت نسخه انگلیسی آن را برای خوانندگان فارسی‌زبان به همراه داشته باشد. همچنین امیدوارم ترجمه این اثر در معرفی آرا و نظرات جدید در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی زبان مفید واقع گردد. نظرات و پیشنهادات همه شما خوانندگان عزیز را مشتاقانه پذیرا هستم.

سعید رضائی

عضو هیئت علمی مرکز زبان‌ها و زبان‌شناسی

دانشگاه صنعتی شریف

فروردین ۱۳۹۸

بی عدالتی زبانی چیست؟

از گذشته‌های بسیار دور سؤالی که همواره ذهن همه را به خود واداشته این است: عدالت چیست؟ پاسخ به این سؤال این است: عدالت فائق آمدن بر بی عدالتی است (فریزر، ۲۰۱۲). آنچه ما از مفهوم عدالت برداشت می‌کنیم اساساً زایده ذهن و تفکر ماست. در جهان امروز، برخی از بی عدالتی‌های پیرامون ما، همچون بی عدالتی نسبت به طبقات اجتماعی، نژاد، جنسیت و یا مذهب قابل فهم هستند. اما بی عدالتی‌های ناشی از زبان غالباً ناشناخته مانده و معمولاً قابل اغماض پنداشته می‌شوند. به عنوان مثال برخی لهجه‌ها و یا گویش‌های خاص را خنده‌دار و گویشوران آن را عقب افتاده می‌پندارند. ذهن ما آمادگی پذیرش برخی از این اقلیت‌ها را در دانشگاه، مشاغل خاص و یا جمع دوستان مان نمی‌پذیرد. هدف غایی و اصلی این کتاب به چالش کشیدن چنین بی عدالتی‌هایی است که غالباً ناشی از زبانی است که فرد به آن سخن می‌گوید. بنابراین در جهت رسیدن به این هدف، این کتاب سعی می‌کند به خواننده نشان دهد چگونه این نوع بی عدالتی‌های ناشی از زبان به وجود آمده و چه عواقبی در زمینه تحصیلی، کاری، مشارکت اجتماعی و روابط بین الملل برای آنها دارد. اینکه زبان می‌تواند باعث ظهور قشربندی اجتماعی^۱ شود ریشه در تنوع زبانی دارد.

تنوع زبانی چیست؟

تنوع زبانی یکی از حقایق بنیادین هر زبان است: هیچ وقت دو شخص متفاوت، به یک زبان یکسان صحبت نمی‌کنند. بهترین راه برای درک تنوع زبانی، بررسی لهجه‌ها و گویش‌های مختلف یک زبان است. به عنوان مثال زبان فارسی که در ایران استفاده می‌شود با فارسی افغانستان متفاوت است. اما راه دیگر برای فهم تنوع زبانی، بررسی زبان‌های مختلف در دنیاست. زبان‌های انگلیسی، چینی و

^۱ Social stratification

سواحلی آنچنان تفاوت‌هایی با هم دارند که هرگز برای گویشوران بومی^۱ یکدیگر قابل فهم نیستند. انسان‌ها نمونه واقعی از گونه‌های جاندار چندزبانه هستند.

تنوع زبانی وجه دیگری نیز دارد که باعث پیچیدگی بیشتر این مبحث می‌شود. هیچ گویشور زبانی همیشه به یک نوع سخن نمی‌گوید. به عنوان مثال نحوه سخن گفتن شما وقتی که ۵۰ سال دارید با وقتی ۲۰ ساله بودید تفاوت دارد. یا اینکه زبان شما تغییر می‌کند بسته به بافت زبانی^۲ که در آن قرار دارید. برای مثال، زبان شما وقتی در حال صحبت کردن با دوستانتان هستید با وقتی که برای مصاحبه کاری دعوت می‌شوید تفاوت دارد.

به همه این اطلاعات زبانی که در اختیار شما بوده و در بافت‌های مختلف زبانی و شرایط مختلف از آنها استفاده می‌کنید داشته‌های زبانی^۳ شما اطلاق می‌شود. برای اغلب انسان‌های عصر حاضر داشته‌های زبانی شامل داشته‌های کلامی و نوشتاری زبان آنها می‌شود. این در حالی است که ۱۴ درصد از مردم جهان سواد خواندن و نوشتن ندارند (یونسکو، ۲۰۱۷). برای اغلب انسان‌ها داشته‌های زبانی شامل توانایی آنها در چندین زبان است. گرچه برخی، خصوصاً انگلیسی‌زبان‌ها، غالباً از این اصل مستثنی هستند. انگلیسی‌ها بیشتر به دلیل بین‌المللی بودن زبان خود و عدم نیاز به دانستن دیگر زبان‌ها تک زبانه می‌مانند.

داشته‌های زبانی آموختنی هستند. به عنوان مثال بخشی از نحوه صحبت کردن ما در خانواده شکل می‌گیرد و بخشی دیگر در بین دوستان مان و یا محیط تحصیلی اما گونه زبانی که ارزش اجتماعی دارد (برای مثال خواندن، نوشتن و یا صحبت کردن انگلیسی و یا گونه‌های رسمی زبان) در مدرسه شکل می‌گیرد.

خلاصه اینکه زبان بسیار متنوع است و داشته‌های زبانی هر فرد از طریق تعاملات و تجارب اجتماعی او شکل می‌گیرد. به همین دلایل است که زبان با طبقه‌بندی‌های دیگری همچون جنسیت، نژاد و مذهب متفاوت است. و به همین دلایل است که زبان می‌تواند ابزاری برای به وجود آمدن بی‌عدالتی‌های خاص شود.

¹ native speaker

³ language repertoire

² context

به عنوان مثال، شنیدن نحوه سخن گفتن یک شخص، بدون اینکه او را ببینیم، می تواند پیشینه ای در مورد آن شخص به ما القا کند.

طبقه بندی های زبانی ناشی از تجارب بشر در جامعه است. اما در حقیقت تنوع زبانی معمولاً پدیده ای خنثی نیست و این مسئله را می توان در ترانه مشهور آمریکایی «تو گوجه دوست داری و منم گوجه دوست دارم» دید. و این در حالی است که تلفظ گوجه اول (ثَمِیتو) با تلفظ گوجه دوم (تَماته) فرق دارد. به همین منوال، گونه های مختلف زبانی نیز به گونه ای خاص طبقه بندی می شوند. دِسوآن (۲۰۰۱) این طبقه بندی را به شکل یک هرم^۱ نشان می دهد که هر زبان در قسمتی از این هرم قرار دارد. اغلب زبان های دنیا، چیزی حدود ۹۸ درصد از ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ زبان دنیا، در قسمت پایینی این هرم قرار می گیرند. به این زبان ها «زبان های فرعی»^۲ گفته می شود که برای تعاملات محلی از آنها استفاده می شود. در بالای این لایه از زبان های فرعی، «زبان های مرکزی»^۳ قرار دارند که به زبان هایی اختصاص دارند که به عنوان زبان ملی در کشورهای برپایه دولت-ملت شکل گرفته باشند. زبان فارسی در این قسمت از هرم زبانی دِسوآن قرار می گیرد. این زبان ها در مدارس، رسانه ها، سیاست و بوروکراسی اداری کاربرد دارند. حدود ۱۰۰ زبان در این گروه قرار می گیرند. در سطح بالاتری از این هرم «زبان های فوق-مرکزی»^۴ قرار دارند که برای تعاملات بین المللی استفاده می شوند. در نهایت در رأس این هرم و در قسمت بالای این لایه ها زبان انگلیسی به عنوان «زبان فرا-مرکزی»^۵ عرض اندام می کند.

«تابعیت زبانی»^۶ که بر پایه ارزش گذاری بر یک زبان و بی ارزش و یا کم ارزش جلوه دادن زبان دیگر بروز می کند، باعث ایجاد بی عدالتی می شود. در چنین حالتی است که داشته های زبانی وابسته به یک زبان و گویشوران آن حس حقارت و خجالت در مقابل با زبان دیگر دارند.

^۱ language pyramid

^۲ Peripheral languages

^۳ Central languages

^۴ Super-central languages

^۵ Hyper-central languages

^۶ language subordination

دسترسی زبانی^۱ چیست؟

شانس دسترسی به جایگاه‌های مختلف، به خصوص آنهایی که سودآور است، در یک جامعه به صورت یکسانی توزیع نشده است. زبان به عنوان مهمترین ابزار بازدارنده در راه نیل به چنین جایگاه‌ها و مقام‌هایی در جامعه شناخته می‌شود. در واقع جایگاه زبان به عنوان ابزار محرومیت به دو دلیل در حال بالارفتن است. در حالت اول، قانون هرگونه تبعیض براساس نژاد، مذهب و کشور محل تولد را غیرقانونی اعلام می‌دارد و این در حالی است که گونه‌های تبعیض کهن‌تر حاکم بر جامعه کماکان به قوت خود باقی هستند. بسیاری از بحث‌هایی که در این کتاب در جوامع لیبرال-دموکرات معرفی می‌شوند در این دسته جای داشته و بی‌عدالتی زبانی به عنوان نماینده این گروه شناخته می‌شود. اما حالت دوم شکل دیگری دارد؛ در بسیاری از جوامع، مهاجرت سبب به وجود آمدن افزایش معناداری در تنوع زبانی شده است و سازمان‌های فعال در چنین جوامعی غالباً زیرساخت‌ها و ملزومات ضروری جهت ارائه خدمات مناسب به ارباب رجوع خود را که از این تنوع زبانی مهاجرت کرده‌اند را ندارد. از آنجاکه انجام هرگونه فعالیت اجتماعی از طریق زبان رخ می‌دهد، عدم توانایی به زبان غالب آن سازمان سبب ضرر و زیان معناداری به شخص می‌شود (بروبیکر، ۲۰۱۴).

تحصیلات و سواد مهمترین مکانیزمی است که نه تنها برای رشد فردی بلکه برای توزیع برابر فرصت‌ها نیز حائز اهمیت است. هرگاه زبان به عنوان سدی در مسیر رسیدن به اهداف باشد، بی‌عدالتی ظهور می‌کند. مدارس معمولاً تک‌زبانگی را سرلوحه و اساس کار خود قرار می‌دهند؛ گرچه ممکن است دانش‌آموزان آن را جمعیت زبانی بسیار متنوعی تشکیل دهند (الیس، گوگولین، و کلاین، ۲۰۱۰؛ رضائی، لطیفی و نعمت‌زاده، ۲۰۱۷). دانش‌آموزان وقتی در مدرسه‌ای درس می‌خوانند که به زبان غالب آن تسلط ندارند به مشکل دوچندانی در مسیر تحصیل خود دچار می‌شوند: آنها نه تنها باید زبان مدرسه را بیاموزند بلکه باید محتوای درسی را نیز که از طریق همان زبان جدید آموزش داده می‌شود یاد بگیرند. اغلب

¹ language access

یادگیری برای این دانش‌آموزان در حضور بقیه دانش‌آموزانی اتفاق می‌افتد که به زبان مدرسه مسلط بوده و لذا تمام انرژی خود را صرف یادگیری محتوای درسی می‌کنند.

معمولاً دانش‌آموزانی که مشکل زبانی در مدرسه دارند قربانی نگاه کمبود هم می‌شوند؛ یعنی همه تلاش‌های آنها نادیده گرفته شده و به مشکل زبانی آنها ربط داده می‌شود و اغلب مورد تحقیر و تمسخر دیگران قرار می‌گیرند (میرشهیدی، ۲۰۱۷).

درواقع، این عدم تطابق بین زبان مدرسه و زبان خانواده بیشترین ضرر و زیان را برای کودکان اقلیت به وجود می‌آورد.

عواقب چنین تفاوتی در مسیر تحصیل دانش‌آموزان با یادگیری زبان حل نمی‌شود. این موضوع را می‌توان در داده‌های برنامه سنجش دانش‌آموزان خارجی^۱ نیز دید. داده‌های موجود نشان می‌دهد که در اکثر کشورها، نسل اول و دوم دانش‌آموزان مهاجر به صورت معناداری نسبت به دانش‌آموزان جامعه غیرمهاجر عملکرد ضعیف‌تری دارند.

اما آنچه ناعادلانه جلوه می‌کند این است که این مدارس هیچ تدبیر و تمهیدی برای پاسخگویی به نیازهای دانش‌آموزانی که از پیشینه زبانی دیگری می‌آیند ندارد. بی‌عدالتی که از این طریق بر دانش‌آموزان وارد می‌آید، در مقایسه با فردی که به زبان مدرسه مسلط است، تا آخر عمر بر زندگی او تأثیر می‌گذارد. موفقیت تحصیلی یکی از معیارهای مهم در پیش‌بینی موفقیت و یا شکست فرد در آینده شغلی شناخته می‌شود و درآمدهایی که فرد در طول عمر خود کسب می‌کند نیز به عنوان شاخصی در خطاکاری‌های اجتماعی از جمله بارداری دوران نوجوانی معرفی می‌شود (گلین و همکاران، ۲۰۱۸). همه این مثال‌ها نشان می‌دهند که دانستن زبان غالب جامعه تا چه حد می‌تواند به موفقیت و یا شکست شخص منجر شود.

^۱ Programme for International Student assessment (PISA)

دانش‌آموزانی که از پیشینه زبانی متفاوتی نسبت به زبان غالب مدرسه می‌آیند زیان می‌بینند؛ چراکه بین داشته‌های زبانی آنها و زبان مدرسه تطابقی وجود ندارد. این مسئله برای همه سازمان‌ها صدق می‌کند: اقلیت‌های زبانی با دو مشکل روبرو می‌شوند؛ آنها نه تنها باید زبان جدیدی (و یا گونه جدیدی از یک زبان) را بیاموزند بلکه باید از طریق همان زبان جدید به تعامل با دیگران بپردازند. این تعامل می‌تواند برای ارتباط در مدرسه، محیط کاری، توضیح علائم بیماری به دکتر و یا کاغذبازی‌های اداری باشد. در همه این موارد عدم توانایی به زبان غالب جامعه بی‌عدالتی‌هایی را برای فرد مهاجر به وجود می‌آورد.

چگونه می‌توان بر مشکلات بی‌عدالتی زبان فائق آمد؟

اگر عدالت اجتماعی فائق آمدن بر بی‌عدالتی باشد، پس چگونه می‌توان بر بی‌عدالتی‌های زبانی که در این کتاب معرفی خواهیم کرد فائق آمد؟ دو راه برای این مسئله وجود دارد: یکی تابعیت زبانی و دیگری دسترسی تبعیض‌آمیز به کالاها و سرمایه‌های اجتماعی.

زبان‌شناسان و مردم‌شناسان برای حل مشکل تابعیت زبانی یک راه حل ارائه می‌دهند و آن این است که همه زبان‌ها برابر در نظر گرفته شوند. از زمانی که فرانتس بوآس نظریات خود را مطرح کرد، دانشگاهیان همه تلاش خود را در برابری زبان‌ها در بسط و انتشار دانش به کار بسته‌اند. گرچه پژوهشگران تلاش بسیار زیادی برای تغییر نهاده‌شده برتری بعضی زبان‌ها (مثلاً زبان‌های اروپایی نسبت به زبان‌های کشورهای که استعمار شده‌اند) داشته‌اند ولی مسئله تابعیت زبانی هنوز پابرجا است و هنوز زبان‌های اقلیت از جایگاه اجتماعی و اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند. این زبان‌های اقلیت به سرعت در حال از بین رفتن و یا فراموشی هستند و مردم بیشتر و بیشتر تلاش می‌کنند زبانی را بیاموزند که متعلق به جامعه غالب است (بردلی و بردلی، ۲۰۱۳). اما همه تلاش‌های صورت گرفته برای بهبود جایگاه زبان‌ها نتیجه چشمگیری نداشته است. به عنوان مثال در کشور کره جنوبی دانستن زبان انگلیسی به عنوان شاهراه رسیدن به موفقیت اجتماعی-اقتصادی شناخته

می‌شود. هرچه کره‌ای‌ها بیشتر و بیشتر به سمت یادگیری زبان انگلیسی می‌روند، نه تنها دانستن زبان انگلیسی بلکه صحبت کردن با لهجه گویشور بومی انگلیسی نیز ارزش تلقی می‌شود. برای نیل به چنین هدفی کره‌ای‌ها به اقامت‌های طولانی مدت فرزندان خود در کشورهای انگلیسی‌زبان روی آورده‌اند. آنها فرزندان خود را برای مدتی به این کشورها می‌فرستند تا بتوانند به لهجه بومی انگلیسی نزدیک‌تر شوند. اما اینجا پایان راه نیست؛ کره‌ای‌ها حتی برای رسیدن به لهجه بومی انگلیسی دست به جراحی پلاستیک نیز می‌زنند (چو، ۲۰۱۷؛ پارک، ۲۰۰۹).

وقتی عدم دسترسی به تحصیل، استخدام کاری، خدمات درمانی و رفاهی به مشکل زبانی ربط داده می‌شود، فرد را مقصر می‌شناسند و باور غالب این است که فرد مهاجر باید نهایت تلاش خود را برای یادگیری زبان به کار گیرد. این در حالی است که یادگیری زبان غالب جامعه مهاجر برای افراد مختلف به سادگی اتفاق نمی‌افتد. این مسئله برای افراد بالغ دوجندان است. آنها نه تنها باید در جامعه مهاجر برای یادگیری زبان تلاش کنند، بلکه باید نیازهای خانواده را نیز تأمین کنند. این مشکل برای اغلب مهاجران در دسترسی یکسان به خدمات اجتماعی و یا شغل مناسب بی‌عدالتی محسوب می‌شود. اما جامعه میزبان همیشه مهاجران را به کاهلی و سست کاری در یادگیری زبان محکوم می‌کند و این در حالی است که همیشه اینگونه نیست.

اما راه حل دیگر برای رسیدن به عدالت زبانی به رسمیت شناختن زبان‌های اقلیت است. سازمان‌های فعال در جامعه میزبان باید این زبان‌ها را به رسمیت بشناسند؛ آنها باید به جای فشار روی افراد برای یادگیری زبان، دسترسی برابر به خدمات خود را با ارائه خدمات به زبان اقلیت‌ها ضمانت کنند. اما رسیدن به چنین هدفی به راحتی امکان‌پذیر نیست. به عنوان مثال، مدارس در صورتی که سیستم تک‌زبانگی را پیش گرفته باشند (و البته دلایل منطقی برای این کار نیز وجود دارد) باید زبان‌های مادری دانش‌آموزان را نیز به رسمیت شناخته و به آموزش آن زبان‌ها بپردازند. برای رسیدن به این هدف، مدارس می‌توانند زبان غالب جامعه را تدریس کرده و در کنار آن زبان مادری را نیز آموزش دهند. علاوه بر این، می‌توان محتوا و

زبان را در سیستم آموزشی مدرسه قرار داد و دوره‌های تربیت معلم برای این کار راه‌اندازی کرد (گوگولین و همکاران، ۲۰۱۱). ارائه خدمات چندزبانی برای درگیر کردن والدینی که از پیشینه زبانی دیگری هستند نیز می‌تواند به مشارکت آنها در امور مدرسه کمک کند. دیگر سازمان‌های جامعه نیز می‌توانند با حمایت‌های آموزش زبان برای کارکنان خود و یا ارائه خدمات چندزبانه امکان دسترسی خدمات برای اقلیت‌های زبانی را تسهیل کنند.

تنوع زبانی و عدالت اجتماعی در ایران

بیشتر مثال‌ها و پژوهش‌هایی که در این کتاب برای تبیین رابطه بین تنوع زبانی و عدالت اجتماعی آورده شده است از داده‌هایی است که در بافت زبانی کشورهای انگلیسی‌زبان و یا جوامع لیبرال-دموکرات گرفته شده‌اند. اما سؤال اساسی که در این کتاب جریان دارد برای همه کشورها، فارغ از نوع سیستم سیاسی آنها، قابل تعمیم است. اما برای خوانندگان انگلیسی‌زبان درک برخی از مثال‌هایی که در این کتاب آورده شده است شاید کمی دشوار باشد. به عنوان مثال، برای تبیین اصل ارضی^۱ در بخشی از کتاب به سنگ قبر نوشته‌های گورستان دولاب در تهران اشاره کرده‌ام. امیدوارم مثال‌های این‌چنینی برای خوانندگان ایرانی نه تنها فهم مطالب را آسان‌تر کند، بلکه آنها بتوانند با محتوای کتاب ارتباط حسی بهتری برقرار کنند. مثال‌های دیگری نیز از ایران و کشورهای همسایه آن در این کتاب آورده شده است. امیدوارم محتوای این کتاب بتواند به پژوهش‌هایی که در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی در جامعه چندزبانه ایران صورت می‌گیرد کمک کند و پژوهشگران بتوانند رابطه بین زبان و عدالت اجتماعی را در محلی که زندگی می‌کنند با دید عمیق‌تری بررسی کنند. پژوهش‌هایی که در حوزه زبان و عدالت اجتماعی انجام می‌شوند می‌توانند از جامعه چندزبانه ایران درس‌های زیادی بیاموزند. برای کنکاش و بحث درباره این موضوع شما را به خواندن فصل آخر کتاب دعوت می‌کنم. داستان اصفهان دوره صفوی که نمونه بارزی از آرمان‌شهر واقعی زبانی آذر دوره خود بوده

¹ Territorial principle

² real linguistic utopias

است. اصفهان قرن هفدهم شهری با تنوع زبانی و مرکزی برای تجارت‌های فراملیتی^۱ بود. اصفهان آن زمان نمونه جالبی از چندزبانگی و همبستگی بود و این نشان می‌دهد که تنوع زبانی باعث برهم‌خوردن همبستگی نمی‌شود.

بستر اصلی این کتاب گفتگوها و بلاگ‌نوشته‌هایی است که من و همکاران و دانشجویانم در www.languageonthemove.com در این سال‌ها نوشته‌ایم. بعد از خواندن هر بخش از کتاب، شما را به خواندن پست‌های بلاگی مربوط به آن دعوت می‌کنم و در صورتی که نظری داشتید می‌توانید با ما در تماس باشید. در پایان از زحمات دکتر سعید رضائی استادیار دانشگاه صنعتی شریف که در طول این مدت با تلاش و دقت خود ترجمه این اثر را برای خوانندگان فارسی‌زبان میسر کرد بسیار سپاسگزارم. امیدوارم ترجمه فارسی این اثر مورد قبول خوانندگان فارسی‌زبان قرار گیرد و مشتاقانه منتظر نظرات شما در وبلاگ تیم تحقیقاتی‌ام در دانشگاه مک کوئری هستم.

اینگرید پیلر

مارس ۲۰۱۹

¹ transnational

- Bradley, D., & Bradley, M. (Eds.). (2013). *Language Endangerment and Language Maintenance: An Active Approach*. London: Taylor & Francis.
- Brubaker, R. (2014). Linguistic and Religious Pluralism: Between Difference and Inequality. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 41(1), 3-32. doi:10.1080/1369183X.2014.925391
- Cho, J. (2017). *Interpreting English Language Ideologies in Korea: Dreams vs. Realities*. Amsterdam: Springer.
- de Swaan, A. (2001). *Words of the world: the global language system*. Cambridge, UK: Polity.
- Ellis, E. M., Gogolin, I., & Clyne, M. (2010). The Janus face of monolingualism: a comparison of German and Australian language education policies. *Current Issues in Language Planning*, 11(4), 439-460.
- Fraser, N. (2012). On justice: lessons from Plato, Rawls and Ishiguro. *New Left Review*, 74, 41-51.
- Glynn, J. R., Sunny, B. S., DeStavola, B., Dube, A., Chihana, M., Price, A. J., & Crampin, A. C. (2018). Early school failure predicts teenage pregnancy and marriage: A large population-based cohort study in northern Malawi. *PloS One*, 13(5), e0196041-e0196041. doi:10.1371/journal.pone.0196041
- Gogolin, I., Dirim, I., Lange, I., Lengyel, D., Michel, U., Neumann, U., . . . Schwippert, K. (2011). *Förderung von Kindern und Jugendlichen mit Migrationshintergrund [Supporting children and youths with a migrant background]*. Münster: Waxmann.
- Mirshahidi, S. (2017). I find you attractive but I don't trust you: the case of language attitudes in Iran. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 38(2), 146-159. doi:10.1080/01434632.2016.1178268
- OECD. (2016). PISA 2015 Results (Volume I). Retrieved from <https://www.oecd-ilibrary.org/content/publication/9789264266490-en>
- Park, J. S.-Y. (2009). *The local construction of a global language: ideologies of English in South Korea*. Berlin and New York: Mouton de Gruyter.
- Piller, I. (2017). Explorations in language shaming. Retrieved from <http://www.languageonthemove.com/explorations-in-language-shaming/>

- Rezaei, S., Latifi, A., & Nematzadeh, A. (2017). Attitude towards Azeri language in Iran: a large-scale survey research. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 38(10), 931-941. doi:10.1080/01434632.2017.1342652
- UNESCO. (2017). *Literacy Rates Continue to Rise from One Generation to the Next*. Retrieved from <http://uis.unesco.org/sites/default/files/documents/fs45-literacy-rates-continue-rise-generation-to-next-en-2017.pdf>

فصل اول

مقدمه

من در شهر سیدنی استرالیا سکونت دارم. یکی از موضوعاتی که مردم سیدنی مایهٔ فخر و مباهات خود می‌دانند، تنوع زبانی در این شهر است. سیدنی از نظر زبانی یکی از متنوع‌ترین شهرهای جهان است. برای مثال، در سال ۲۰۱۴ یکی از روزنامه‌های استرالیا با انتشار مقاله‌ای پیرامون این موضوع خاطرنشان می‌کند که «سیدنی از نظر تنوع زبانی با برخی از بزرگ‌ترین شهرهای جهان رقابت می‌کند. وجود زبان‌های آفریکانس^۱، تلوگو^۲، عبری^۳ و گویش چینی وو^۴ از مصادیق بارز تنوع زبانی در این شهر است». شهر ملبورن، رقیب همیشگی سیدنی از نظر برتری کیفیت زندگی شهری، برای عقب نماندن از قافله، خود را به لحاظ تنوع زبانی به حق برتر می‌داند؛ زیرا تعداد زبان‌هایی که در ملبورن تکلم می‌شود، از تعداد کشورهای جهان بیشتر است. این دو شهر در این رقابت تنها نیستند؛ دیگر شهرهای جهان نیز همین ادعا را دارند. برای مثال، آن سوی اقیانوس آرام، رسانه‌های کانادایی نیز تنوع زبانی در شهرهای کانادا را با آبوتاب فراوان گزارش می‌دهند: «از نظر تنوع زبانی، تورنتو پیش‌تاز همهٔ شهرهاست و پس از آن ونکوور و مونترال در مقام‌های بعدی قرار دارند». همچنین، رسانه‌های ایالات متحده آمریکا، همسایه جنوبی کانادا، نیز ادعای مشابهی دارند: «در آمریکا، نیویورک بیشترین تعداد چندزبانگی را دارد و ۴۷ درصد از کل جمعیت آن حداقل به دو زبان تکلم می‌کنند». سمت شرق این دو کشور و در آن سوی اقیانوس اطلس، رسانه‌های بریتانیایی همان نقش را ایفا می‌کنند: «می‌دانیم که منچستر به لطف داشتن بیشترین تنوع زبانی در اروپای غربی شهرهٔ خاص و عام است، درحالی‌که لندن به پایتخت چندزبانگی جهان معروف است».^۱

در کنار همهٔ گزارش‌های رسانه‌ای که به تنوع زبانی روی خوش نشان می‌دهند و آن را یک عنصر مطلوب برای جامعه قلمداد می‌کنند، گزارش‌های دیگری نیز وجود دارند که جنبه منفی و تاریک تنوع زبانی را به تصویر می‌کشند. برای مثال، در اواسط سال ۲۰۱۴، یکی از رسانه‌های استرالیایی در گزارشی اعلام کرد: «جوانانی

^۱ Afrikaans^۲ Telugu^۳ Hebrew^۴ Wu

که تنوع زبانی و فرهنگی دارند، در مقایسه با هم‌نسل‌های خود که از اصالت استرالیایی برخوردارند، بیشتر با مشکل بی‌کاری مواجه می‌شوند. هرچند که ممکن است نسبت به آنها شایستگی و صلاحیت بیشتری داشته باشند». هم‌زمان، در ایالات متحده کاشف به عمل آمد که برای نخستین بار در تاریخ، تعداد کودکان اقلیت‌ها در مدارس بیشتر از کودکان سفیدپوست است. هرچند این مسئله نمی‌تواند دلیلی بر مقبولیت تنوع زبانی باشد. در مقابل، والدین طبقه متوسط سفیدپوست ترجیح می‌دهند از محله‌هایی که تنوع زبانی دارند، فاصله بگیرند و یا کودکان خود را به آن دسته از مدارس خصوصی بفرستند که تنوع نژادی یا زبانی کمتری دارند. نتیجه این امر تبعیض نژادی است و نه تنوع زبانی! در ضمن، در انگلیس، رسانه‌ها دائماً از اهمیت یافتن تنوع زبانی ابراز نگرانی می‌کنند. طبق قوانین ملی و بین‌المللی، نهادهای بریتانیایی به تنوع زبانی نیاز دارند تا بتوانند به شهروندانی خدمات‌رسانی کنند که انگلیسی بلد نیستند. لذا برای این تنوع زبانی هزینه مالی صرف می‌کنند.ⁱⁱ این دو دسته گزارش‌های رسانه‌ای معمایی را برای ما مطرح می‌کنند: از یک سو، تنوع زبانی در بسیاری از جوامع دنیا به رسمیت شناخته شده است و به کرات از آن یاد می‌شود و حتی در مراسم‌هایی جشن گرفته می‌شود؛ اما از سوی دیگر، تنوع زبانی یک آسیب اجتماعی شناخته می‌شود که نیازمند کنترل است و در برخی موارد حتی نگران‌کننده به نظر می‌آید. در کنار این دو دیدگاه متناقض که تنوع زبانی را امری مطلوب اما به لحاظ اجتماعی مشکل‌آفرین می‌دانند، این سؤال مطرح است که تنوع زبانی در حقیقت چه مفهومی برای ساختار اجتماعی ما دارد؟ تنوع زبانی چگونه جامعه را در سطوح نهادی، محلی، ملی و جهانی شکل می‌دهد؟ چگونه مهارت زبانی واسطه مشارکت اجتماعی می‌شود؟ و به‌طور خلاصه، چه رابطه‌ای بین زبان و بی‌عدالتی وجود دارد؟

چنین سؤالاتی که معطوف به تقابل بین تنوع زبانی و عدالت اجتماعی هستند، به‌ندرت مطرح شده است و یقیناً جای این قبیل موضوعات در میان افکار عمومی هنوز خالی است. در نتیجه، تنوع زبانی صرفاً در سطح انتزاعی پذیرفته شده اما هنوز مشکلات اجتماعی و بی‌عدالتی‌های ناشی از آن به قوت خود باقی است. از جمله

این بی‌عدالتی‌ها، می‌توان به جوانان اقلیت‌های زبانی در استرالیا اشاره کرد که در بازار کار با محرومیت و تبعیض مواجه هستند. در ایالات متحده، مدرسی که تنوع جمعیتی دارند، عملکردشان ضعیف است یا در بریتانیا، مهاجران برای دریافت خدمات سلامت و اقامه دعوا با موانعی مواجه هستند. در حقیقت، رسانه‌هایی که این نقل‌قول‌ها را از آنها استخراج کرده‌ام، در قبال ماهیت واقعی این مسئله تاحدودی سکوت کرده‌اند. آیا در استرالیا محرومیت شغلی جوانانی که جزو اقلیت‌های زبانی و فرهنگی هستند، صرفاً به دلیل تسلط نداشتن به زبان انگلیسی است؟ یا اینکه تبعیض آنها براساس نژاد و زادگاهشان است؟ آیا در ایالات متحده عملکرد ضعیف مدرسی که تنوع زبانی دارند، صرفاً به این دلیل است که چنذبانگی با شرایط آموزش ایده‌آل سازگاری ندارد و یا به دلیل پایین بودن وضعیت اجتماعی-اقتصادی کودکان این اقلیت‌هاست؟ آیا مهاجرانی که زحمت یادگیری زبان انگلیسی را به خود نمی‌دهند، باعث شده‌اند که هزینه‌های ترجمه در کشور انگلیس افزایش یابد و یا اینکه فراهم کردن خدمات زبانی هزینه‌ای است که یک جامعه باید در قبال منافع اقتصادی ناشی از جهانی‌شدن و آزادی مهاجرت در اتحادیه اروپا بپردازد؟

پاسخ به این سؤالات آسان نیست، زیرا زبان با نژاد، موقعیت اجتماعی-اقتصادی، وضعیت حقوقی و جنسیت ارتباط تنگاتنگ و پیچیده‌ای دارد. لذا، در مباحث عمومی به‌ندرت از این پیچیدگی‌ها یاد می‌شود. در بحث‌های مربوط به زبان و بی‌عدالتی توفیق کمی حاصل شده است؛ بنابراین کتاب حاضر در نظر دارد با یک مطالعه نظام‌مند به پیامدهای اجتماعی ناشی از تنوع زبانی بپردازد. همچنین، این کتاب ندایی است برای تأمل در این مسئله که چگونه یک اختلال زبانی یعنی «تنوع زبانی» می‌تواند باعث اختلال ساختاری در جامعه شود؟ کتاب پیش‌رو به‌طور جدی به این مسئله می‌پردازد؛ به این امید که مسئله مزبور به بحث‌های عمومی کشیده شود و جنبه‌های منفی آن به حداقل برسد.

عدالت اجتماعی

تصویر روی جلد این کتاب، بانوی عدالت^۱ را به تصویر می‌کشد که تمثیلی است از حاکمیت قانون. بانوی عدالت غالباً با چشم‌بندی به تصویر کشیده می‌شود که استعاره از بی‌طرفی اوست. باور غالب این است که بانوی نابینای عدالت تحت تأثیر تعصب قرار نمی‌گیرد، زیرا ظواهر فیزیکی افراد همچون لباس آن‌ها، شاخصی از وضعیت اجتماعی یا رنگ پوستشان، شاخصی از نژاد آن‌ها، برای او رؤیت‌شدنی نیست. در تصویر روی جلد این کتاب، نقاش این اثر، سادامی کُچی^۲، یک گوش‌بند هم‌ترسیم کرده تا نشان دهد که بانوی عدالت علاوه بر نابینا بودن بایستی ناشنوا باشد تا اینکه در قضاوت خود کاملاً بی‌طرف باشد. مسئله این است که شیوه سخن‌گفتن ما معرف اصلی هویت ماست. افرادی که مقابل بانوی عدالت قرار می‌گیرند، می‌توانند با لحن فصیح انگلیسی استاندارد صحبت کنند و یا هر زبان استاندارد که تصور می‌کنیم بانوی عدالت به آن زبان سخن می‌گوید. دیگرانی نیز هستند که با مکث و تردید سخن می‌گویند و به دنبال کلمات صحیح هستند. آن‌ها مانند کسانی که تحصیلات رسمی ندارند سخن می‌گویند. مادامی که بانوی عدالت بتواند بشنود، قادر است از وضعیت اجتماعی-اقتصادی، سطح تحصیلات، قومیت، جنسیت، سن و زادگاه آن شخص در ذهن خود تصویری شکل دهد. جالب است بدانید که بن جانسون^۳، نمایشنامه‌نویس مشهور دوره رنسانس انگلستان، معتقد بود زبان ما حتی از ظاهر ما گویاتر است: «(زبان بیش از هر چیز دیگر معرف شخصیت است؛ تا فرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد)»^۴. iii درواقع، نابینا بودن بانوی عدالت بدون گوش‌بند بیهوده است و در عدالت او ایجاد تشکیک می‌کند.

البته، بانوی عدالتی وجود ندارد. در عالم واقعیت، قضاوت عادلانه افسانه‌ای بیش نیست؛ افسانه‌ای که به ما یادآوری می‌کند برای رسیدن به آن تلاش کنیم. چشم‌بند روی چشمان او ما را به این واقعیت رهنمون می‌سازد که ظاهربینی از

¹ Lady Justice

² Sadami Kinchi

³ Ben Jonson

⁴ Language most shows a man:
Speak, that I may see thee.